

ادامه از صفحه اول

ترامپ تلافی می‌کند؟

او در برنامه زنده اعلام کرده در ملاقات با ملک عبدالله و حسنی مبارک و نتانیاهو، هر سه از آمریکا خواستند به ایران حمله کند. این اظهارات یک بار دیگر برای جناحی که در ایران عامدا می‌خواهد مواهب توافق هسته‌ای را انکار کند، عبرت‌آموز است که چگونه برجام آلت‌زنانیو یک تعرض نظامی به ایران بوده و هست و از نگاه امنیت ملی کشور باید در حفظ توافق هسته‌ای بیش از اروپایی‌ها، مجدانه بکوشد. در جهت مخالف، تندروهای جمهوری‌خواه شانس خود را آزمایش کردند که بتوانند در توافق هسته‌ای به طور قانونی تغییری به وجود آورند، ولی در سناي آمریکا نایزمند ۶۰ رای است که چنین آرایي وجود ندارد. حتی اگر بخواهند تحریم جدیدی در راستای برجام تصویب کنند، احتیاج به ۵۰ رای دارند که آن‌هم فراهم نیست. بنابراین دست تندروهای جمهوری‌خواه فعلا کوتاه است و فقط می‌ماند اختیارات ریاست‌جمهوری آمریکا که دونالد ترامپ در ژانویه ماه آینده، دست به اقدامی افراطی بزند یا خیر؟
کرکر، رئیس شورای روابط خارجی سنای آمریکا، که قبلا از طرفداران جدی دونالد ترامپ بود ولی اکنون با وی اختلاف جدی پیدا کرده، به‌وضوح اعلام کرده به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه نمی‌دهد در مقابله با نظر اروپایی‌ها، تغییری را در توافق هسته‌ای در قانون آمریکا وارد کند. اما تصمیمات دونالد ترامپ با تحولات خاورمیانه به طور جدی گره خورده است. ترامپ برای اینکه تحریم جدیدی علیه ایران در ژانویه اعلام کند، چشم به صحنه خاورمیانه دارد. اگر چالش بین ایران و جناح عربستان بالا بگیرد یا در سوریه، عراق و لبنان، نقش ایران از دید وی منفی باشد، تلافی آن را در صحنه تحریم‌ها به نمایش خواهد گذاشت.

فرهنگ؛ فره شهر

آن‌جا هم، فرمان در صحنه‌ای که تومارهای افتخارات پیشینیانش را به آتش می‌کشید، درست مانند لحظه خلاصی زن از کابوس مردانه افتخارات تاریخی در «چریکه تارا»، می‌گفت: «تومو شد! راحت شدم!» گفت‌وگو با «بده بعد از غریبه و مه» (۱۳۵۲) و «چریکه تارا»، سومین فیلم بیضایی است که داستان افسانه‌وارش در جهانی بر حاشیه‌ی دریا می‌گذرد. اما اگر در پایان آن دو فیلم، هربار زن بود که پای بر زمین می‌ماند و مرد بود که به سفر بی‌پازگشت دریا می‌رفت، در سومی مرد تمام جزیره را به بازاری برای خویش بدل کرده و زن است که به دریا رانده می‌شود. زن - بری اندوهگین فیلم را، که روح جزیره بود، همان سال ساخته‌شدن «گفت‌وگو با باده»، دکتر ژاله آموزگار چون فره آن بازشناخت: فره‌ای که از جزیره می‌گریخت. سیر پیوندهای ناممکن‌شده میان زن و مرد، و دگردیسی‌اش به مرد غرقه بازار و مستقر بر زمین در برابر «زن‌فرّه‌ای که رانده می‌شود، در فیلم‌های بلند بعدی بیضایی صورت‌هایی تطبیق‌یافته از اسطوره در جهان معاصر می‌یابد. فیلم‌های «سگ‌کشی» (۱۳۷۹) «وقتی همه خوابیم» (۱۳۸۷) در شهری فره‌باخته می‌گذرند که بیش از هر چیز مورد هجوم ویرانگر سرمایه‌سالاری و سوداگری در غیاب فرهنگ است. ادامه تصویرهای تمام کارنامه سینمایی بیضایی از تهران دهه‌های گذشته را در این دو فیلم می‌بینیم، و حالا - یکی دو دهه بعد - دیگر واقعا در شهر پیش‌روی‌مان: از صورتک‌های ضد دود و مردانی بی‌چهره که عاقبت در شمایل سنگستانی‌های «سگ‌کشی» شهر را زیر کلنگ می‌گیرند تا معماری اصیلی که در غبار شهر امروز رد و اثرش برج نایب است؛ همچنان‌که از طبیعت آن فیلم‌هایش که در روستا می‌گذرند هم امروز نشان چندان‌سی باقی نمانده است. فیلم کوتاه «قالی سخنگو» (در مجموعه «فرش ایرانی» ۱۳۸۵) نیز با تمرکز بر تصویر درختی که افسانه‌های دیرین را روایت می‌کند، تجسمی از پیوند طبیعت و باروری، روایتگری خلافت و ریشه‌های فرهنگی ارانه می‌کند که عناصر کلیدی همان جان زرانده‌اند؛ ثبت یکی از آخرین بازمانده‌های نقشی‌نادر که دیگر بافته نمی‌شود. جدا از زن‌هایی با قدرت آفرینندگی که در دو فیلم بلند آخر مورد هجوم‌اند و قربانی می‌شوند، مناسب‌ جاری دو فیلم نیز آکنده است از سودطلبی فارغ از اندیشه، که از سطوح مختلف، تجسم همان چیزهایی‌اند که حالا دیگر دربارۀ شهر، دربارۀ فرهنگ، و دربارۀ سینما از زبان هرکس شنیده می‌شود. نه، کسی که با دیدن دود، پیشین از دیگران خطر آتش را احساس می‌کند، پیشگو نیست، خردمند است. اظهارش هم از سر آزار نیست، از روی غمخواری است. می‌شد با فرهنگ، جهت فره شهر، یا جان مردمانه آن، بهتر رفتار کرد و به آن‌سوی دریا نراندش.

خوشحالم از این‌که بهرام بیضایی در

هفتادونهمین زادروزش همچنان پرحاصل

کار می‌کند، می‌نویسد، پژوهش می‌کند، درس

می‌دهد، و تمرین نمایش تئاتر‌ای را آغاز کرده

است. اما، به رغم همه چیز، متاسف نیستم از

این‌که این‌جا نیست تا در فضایی که بوی دودش را

در آثار دهه‌های قبل خود اخطار کرده بود نفس

بکشد؛ در شهری که دیگر هوام از آن گریخته

است.

فرزانه طهرانی؛ دولت در لایحه بودجه اعلام کرد قیمت دلار از سه‌هزارو

۳۰۰ تومان در بودجه سال ۹۶ به سه‌هزارو ۵۰۰ تومان افزایش یافته است.

اما دولت در لایحه بودجه سال آینده ردیف درآمدی جدیدی تحت عنوان

«ماه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات» اضافه

کرده که پیش‌بینی شده دولت ۱۰هزارمیلیارد تومان از این محل کسب درآمد

کند. با محاسبه این عدد در درآمدهای نفتی و دلاری کشور مشخص می‌شود

دولت نرخ دلار را در بودجه سال آینده سه‌هزارو ۸۵۰ تومان در نظر گرفته

است، نه سه‌هزارو ۵۰۰ تومان.

درباره این ابتکار دولت می‌توان گفت در وهله نخست تبدیل ارز ناشی از

صادرات نفت باید در سرفصل «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» درج و ثبت

شود، نه «درآمدها». بنابراین دولت به‌صورت غیرواقعی وابستگی بودجه به

نفت را کاهش داده است. دوم اینکه اجازه کسب ۱۰هزارمیلیارد تومان از این

محل، انگیزه دولت را برای کنترل بازار ارز کاهش می‌دهد؛ زیرا فروش ارز با

نرخی فراتر از سه هزارو ۵۰۰ تومان پیش‌بینی‌شده در بودجه، رانتی را برای

دولت به همراه دارد که فسادانگیز است.

ارقام مربوط به محاسبه سهم نفت در بودجه اعم از نرخ تبدیل دلار به

ریال، حجم صادرات و... ذکر نمی‌شود و باید آن را برآورد کرد. برای تحقق

کامل ردیف‌های درآمدی ۱۳۹۷ لازم است قیمت هر بشکه نفت خام و

میعانات گازی حدود ۵۵ دلار و نرخ برابری دلار و صادرات نفت حدود

۲۰۶۳ میلیون بشکه در روز فرض شود.

محاسبه‌ساده درآمدا ارزی و کشف قیمت دلار

مرکز پژوهش‌های مجلس در برآوردی که از این ارقام درآمدی دارد،

آورده است: در سال قرار است حدود ۲۰۱۳ میلیون بشکه در روز نفت

صادر کنیم. همچنین قرار است حدود ۴۰۰ هزار بشکه میعانات گازی

صادر کنیم. همچنین قرار است حدود صد هزار بشکه میعانات گازی به

پتروشیمی‌ها بفروشیم. قیمت هر بشکه نفت و میعانات را حدود ۵۵ دلار

در نظر بگیریم. البته قیمت میعانات و فروش به پتروشیمی‌ها کمتر از ۵۵

دلار است اما برای جلوگیری از پیچیده‌شدن محاسبات، فرض کنیم همان

۵۵ دلار است. به‌این‌ترتیب مجموع صادرات نفت و میعانات عبارت است

از حدود ۲۰۶ میلیون بشکه در روز. این رقم را در ۵۵ دلار و سپس در ۳۶۵

روز سال ضرب کنیم. حاصل می‌شود ۲۰۵میلیارد دلار که رقم دقیق‌تر آن با

درنظرگرفتن ارقام گرد نشده و... حدود ۵۲۰۷ میلیارد دلار در سال است. این

رقم به دلار است و باید به ریال تبدیل شود، پس آن را در نرخ ارز بودجه‌ای

که حدود سه هزارو ۸۵۰ تومان به‌ازای هر دلار است، ضرب می‌کنیم.

حاصل می‌شود رقمی حدود ۲۰۳ هزارمیلیارد تومان در سال.

اقتصاد

دولت قیمت ارز را در بودجه ۳۸۵۰ تومان پیش‌بینی کرده‌است

ابتکار عجیب دولت برای کسب درآمد بیشتر



این رقم کل مبالغ حاصل از نفت است و باید طبق قانون بین سه‌ جا تقسیم‌شود: شرکت ملی نفت که بابت هزینه‌های استخراج نفت و اداره امور پروژه‌های نفتی سهمی از درآمد را دریافت می‌کند، دوم صندوق توسعه ملی که برای پروژه‌های توسعه‌ای غیردولتی و البته این روزها

برای بودجه دولت سهم می‌گیرد و خود دولت، سهم شرکت ملی نفت ۱۴۰۵ درصد است، صندوق توسعه ۳۳ درصد و مابقی سهم دولت است.

به‌این‌ترتیب سهم اولی حدود ۲۹۰۵ هزارمیلیارد تومان، سهم دومی ۶۲۰۵

هزارمیلیارد تومان و سومی حدود ۱۱۱هزارمیلیارد تومان می‌شود. دولت

البته به رقم ۱۱۱هزارمیلیارد تومان اکتفا نکرده و در لایحه بودجه سال

آینده در تبصره‌های ماده واحده بودجه درخواست کرده که حدود ۲۱

هزارمیلیارد تومان از سهم صندوق توسعه بردارد و برای بودجه مصرف

کند. به‌این‌ترتیب کل رقم نفت در بودجه دولت حدود ۱۳۲هزارمیلیارد

تومان می‌شود.

غیرواقعی جلوه‌دادن وابستگی به نفت

موضوع مهمی که در جدول (۵) لایحه وجود دارد، درج ردیف درآمدی

با عنوان ردیف «ماه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و

میعانات گازی» که با شماره ردیف (۱۶۰۱۳۹) شناخته می‌شود و می‌تواند

به‌صورت غیرواقعی وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی را کمتر نشان

دهد. طبق رویه جاری، پس از آنکه دولت منابع ارزی سهم خود را دریافت

می‌کند، معادل ریالی آن را با نرخ ارز مبادلاتی که از سوی بانک مرکزی به

فروش می‌رساند، به ردیف‌های درآمدی (۲۱۰۱۰۱) و (۲۱۰۱۰۹) واریز می‌کند.

نرخ ارز مبادلاتی می‌تواند متفاوت از نرخ ارز محاسباتی بودجه باشد.

حال طبق رویه پیشنهادی لایحه، نرخ محاسباتی ارز در لایحه بودجه

سه‌هزارو ۵۰۰ تومان است. براساس روش پیشنهادی دولت در لایحه، سهم

دولت از محل منابع حاصل از صادرات نفت به دو قسمت تقسیم خواهد

شد: (۱) آن مقدار از منابع که با سه‌هزارو ۵۰۰ تومان تبدیل شده، به ردیف

(۲۱۰۱۰۱) و (۲۱۰۱۰۹) و به‌ازای نرخ ارز بالاتر از آن به حساب (۱۶۰۱۳۹)

واریز می‌شود.

برای مثال تصور کنید که نرخ ارز مبادلاتی چهار هزار تومان باشد.

بنابراین سه‌هزارو ۵۰۰ تومان از آن به ردیف (۲۱۰۱۰۱) و (۲۱۰۱۰۹) و ۵۰۰

تومان باقی مانده به ردیف (۱۶۰۱۳۹) واریز می‌شود.

باید توجه داشت تبدیل منابع ارزی حاصل از صادرات نفت به ریال

اساسا درآمد نفتی است؛ پس چرا در «سایر درآمدها» درج شده است؟

آیا نمی‌تواند به دلیل غیرواقعی جلوه‌دادن سهم نفت در بودجه باشد؟

درحال‌حاضر عنوان می‌شود که وابستگی بودجه به نفت معادل ۲۷۰۵

درصد است که این رقم حاصل تقسیم مجموع ردیف‌های (۲۱۰۱۰۱)

و (۲۱۰۱۰۹) بر منابع عمومی دولت است. اما اگر بخواهیم سهم نفت

در بودجه را به‌طور واقعی محاسبه کنیم، باید ردیف‌های (۱۶۰۱۳۹) و

(۳۱۰۷۰۰) منابع حاصل از صندوق توسعه ملی (بازگشت از منابع) را به آن

اضافه کرد. بر این اساس سهم نفت در بودجه به ۳۶ درصد اضافه می‌شود.

تبعات رشد۱۶۰درصد نرخ ارز در بودجه

حمیدرضا برادران شرکا، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق»

درباره این بند از بودجه می‌گوید: در بودجه عددی به‌عنوان پایه برای نرخ

ارز اعلام می‌شود اما از آنجا که این نرخ یک پیش‌بینی است و ممکن است

ارز بین‌بانکی با نرخي متفاوت از این عدد معامله شود؛ دولت در ردیفی این

تفاوت قیمت را می‌بیند.

به اعتقاد شرکا این ماه‌التفاوت نیاز است به خزانه واریز شود و در آن

صورت دولت می‌تواند برای این عدد محل هزینه تعریف کند، اما مشروط

به داشتن مجوز. بنابراین در قانون بودجه ردیفی تحت عنوان هزینه-درآمد

درنظر گرفته می‌شود تا کل نرخ ارز بیشتر از رقمی شد که در بودجه اعلام

شده است، دولت اجازه هزینه‌کردن را داشته باشد؛ به عبارت دیگر دولت

برای درآمد فرض‌شده، محل مصرفی تعریف می‌کند، اگر درآمد حاصل

شد، می‌تواند برای هزینه‌های تعریف‌شده از آن برداشت داشته باشد و

دیگر نیازی به اخذ مجوز دوباره نیست، اما اگر درآمد حاصل نشد، هزینه‌ها

نیز بلاحمل می‌شود. این کارشناس اقتصادی توضیح می‌دهد: ردیف‌های

درآمد- هزینه همواره در بودجه سنوات گذشته بوده است و صرفا برای این

که در نظر گرفته می‌شود که در صورت ایجاد ماه‌التفاوت نرخ ارز، دولت ناگزیر

به اخذ مجوز دوباره نباشد.

به اعتقاد شرکا این ماه‌التفاوت نیاز است به خزانه واریز شود و در آن

صورت دولت می‌تواند برای این عدد محل هزینه تعریف کند، اما مشروط

به داشتن مجوز. بنابراین در قانون بودجه ردیفی تحت عنوان هزینه-درآمد

درنظر گرفته می‌شود تا کل نرخ ارز بیشتر از رقمی شد که در بودجه اعلام

شده است، دولت اجازه هزینه‌کردن را داشته باشد؛ به عبارت دیگر دولت

برای درآمد فرض‌شده، محل مصرفی تعریف می‌کند، اگر درآمد حاصل

شد، می‌تواند برای هزینه‌های تعریف‌شده از آن برداشت داشته باشد و

دیگر نیازی به اخذ مجوز دوباره نیست، اما اگر درآمد حاصل نشد، هزینه‌ها

نیز بلاحمل می‌شود. این کارشناس اقتصادی توضیح می‌دهد: ردیف‌های

درآمد- هزینه همواره در بودجه سنوات گذشته بوده است و صرفا برای این

که در نظر گرفته می‌شود که در صورت ایجاد ماه‌التفاوت نرخ ارز، دولت ناگزیر

به اخذ مجوز دوباره نباشد.

رئیس انجمن بهینه‌سازی مصرف انرژی ایران در گفت‌وگو با «شرق» از اهمیت رگولاتوری می‌گوید

ذی‌نفعان مقاومت می‌کنند



عکس رونوشتی، شرق

به اهدافش رسید؟» درحالی‌که اگر نهاد رگولاتوری

بود و جلوی تصمیم‌گیری‌های موردی و سلیقه‌ای

رئیس‌جمهور وقت را می‌گرفت، امروز توانسته بودیم

از این منبع پولی عظیمی که توزیع شد و اثری نداشت،

کارهای بسیار مؤثری در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی

انجام دهیم و حداقل ۳۵ درصد مصرف انرژی کل

کشور را در ساختمان‌های مسکونی، اداری، دانشگاهی

و تجاری تعدیل کنیم. نبود نهادهای رگولاتوری در

هفت، هشت سال گذشته فقط از ناحیه اجرای قانون

هدفمندی یارانه‌ها، ۲۷۰هزار میلیارد تومان به کشور

خسارت وارد کرده است؛ زیرا هیچ نظارت درستی بر

توزیع بارانه‌ها نبوده و هنوز هم نیست. در موردی

دیگر، روند واردات خودرو را سخت می‌کنند. چه اتفاقی

می‌افتد؟ یک نهاد رگولاتوری نمی‌گوید واردات خودرو

حدود پنج درصد مصرف سالانه کشور هم نیست،

درحالی‌که همین واردات خودرو که به نظر مذموم است،

توانسته کمک کند تمام ماشین‌های ارزده‌خارج به بهانه

اسقاط خودرو از سطح شهر جمع‌آوری شده و دیگر

خودروهای کهنه و مستعملی را که قبلا به‌وفور در سطح

شهر دیده می‌شد، نمی‌بینید. شرکت‌های واردکننده با

هدف اینکه بتوانند خدمت خودروی جدیدشان را وارد بازار کنند،

آن خودروها را جمع کرده‌اند. این کار درست بود، حالا

جلوی این‌کار را می‌گیرند و یک نهاد رگولاتوری هم

نیست که بگوید چرا و چه اثری در اقتصاد کشور دارد.

ممیت دارد با مزیت؟

ا فکر می‌کنید چرا این اتفاق می‌افتد؟

اگر یک نهاد رگولاتوری نباشد، می‌فهمد تمام این

افزایش قیمت‌ها و جلوگیری از ورود خودروهای

خارجی، برای این است که توقع جامعه از خودروهای

داخلی بالا نرود. اکنون خودروهای داخلی هیچ کیفیت

و مزیت فوق‌العاده‌ای ندارند. واقعا در عرصه رقابت با

خودروهایی که به کشور وارد می‌شود، حرفی برای گفتن

نداریم. درحالی‌که خدمت خودروهای وارداتی خیلی زیاد

است. خودروسازهای ما هزینه می‌کنند و صورت‌مسئله

بر پاک می‌کنند. نبود نهاد رگولاتوری باعث می‌شود

خودروساز هر خودرویی را با هر کیفیتی که می‌خواهد،

تولید کند. هیچ‌کس هم پاسخ‌گو نباشد، همه چیز هم

سلیقه‌ای است. در شبکه تولیدکننده‌های خودروی

داخلی همه چیز حل می‌شود. واردات خودرو آسیب

کلی و واقعی به کشور نمی‌زند، فقط سطح توقع جامعه

را نسبت به خودروی داخلی بالا می‌برد و به مذاق آقایان

سازگار نیست. نکته دیگر آن است که چه کسی گفته باید

همه چیز را در کشورمان تولید کنیم؟ باید خودمان را با

ساختار دنیا هماهنگ کنیم.

❌ شاید به خاطر همین عدم هماهنگی است که

سعی می‌کنیم در تمامی حوزه‌ها ورود کنیم و در

نهایت مزیت رقابتی‌مان را از دست می‌دهیم...

مگر همه کشورهای دنیا همه چیز تولید می‌کنند؟

این یک تفکر غلط است. باید مزیت‌های کشور را

بشناسیم، نهادهای رگولاتوری باید آتالیز کنند که در

چه بخش‌هایی مزیت داریم و در چه بخش‌هایی

می‌توانیم بیشتر سرمایه‌گذاری و رشد کنیم. نهاد

رگولاتوری در هیچ‌بخشی وجود ندارد؛ در نتیجه

تمام منابع از بین می‌رود. این موارد در وزارتخانه‌ها

بررسی نمی‌شود. اینها به نهادهای بالادستی نیاز

دارد که با دستور و درخواست فلان نماینده مجلس

تأثیر نپذیرد. متأسفانه عمداً نمایندگان مجلس فرضا

در زمینه کشاورزی و آب دخالت می‌کنند و برای

چاه‌های عمیق در استان‌هایشان به‌صورت دستوری یا

خواهشی مجوز می‌گیرند. این همه چاه عمیق داریم.

تمام مخازن آب‌های زیرزمینی ما مضمحل شده‌اند که

کشور نمی‌تواند. کشاورزی غیرصنعتی و غیرحرفه‌ای که

به درد نمی‌خورد، مصرف ما قبل از انقلاب چهار میلیارد

مترمکعب آب در کشور می‌کرده و اکنون ۱۰۰میلیارد

متر مکعب؛ درحالی‌که جمعیت ما فقط دو برابر شده

است، چه کار می‌کنیم؟ اشتباهات زیادی در کشور رخ

می‌دهد که باید اصلاح ساختار شود.

❌ رگولاتوری را باید به کدام نهاد سپرد؟

فعلا اصلاح ساختار را نمی‌شود به مجلس و دولت

وقه قضاییه سپرد.

❌ یکی از نهادهای مهم رگولاتوری در کشور بانک

مرکزی است. آیا این نهاد توانسته به‌خوبی رگولاتوری

را پیش ببرد؟

یکی از مشکلات جدی ما تأمین منابع مالی نحوه

مدیریت بر‌گردش